

بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی / ۱۳۸۱/۰۷/۰۲

در برنامه‌ریزی برای نخبگان، هدف ما باید چه باشد؟ البته هدف نباید به‌هیچ‌وجه تحقیر غیرنخبگان باشد؛ چون غیرنخبگان ممکن است کارهایی انجام دهند که بسیار برجسته و ممتاز و والا باشد؛ این بدیهی است. اما یک جامعه بدون دارا بودن استخوان‌بندی‌های ذهنی قوی، در حرکت جهانی نخواهد توانست از سربالاییهای دشوار و پیچهای سخت عبور کند. بنابراین، جامعه همچنان که به بدنه‌ی فکری نیاز دارد، به نقطه‌ی ممتاز فکری هم نیاز دارد. بنابراین اگر هوشمندانی در جامعه هستند که از لحاظ ذهنی نخبه‌اند، اینها می‌توانند به پیشرفت علم و فرهنگ و هنر و کار و پیشرفت هر چیزی که جامعه به آن نیاز دارد، کمک کنند. بنابراین، منهای این‌که ما بخواهیم غیرنخبه را مورد تغافل قرار دهیم، باید برای نخبگان، حسابی باز کرد. ممکن است به نظر بیاید این یک تبعیض است؛ اما تبعیض همه‌جا غیرعادلانه نیست؛ گاهی اوقات تبعیض، عین عدالت است. این حساب باز کردن برای نخبگان، عین عدل است؛ به خاطر این‌که ما باید نخبه و هوشمند را در حدی که می‌تواند رشد کند، رشد بدهیم.

هدف دیگری که در خصوص برنامه‌ریزی برای نخبگان وجود دارد، این است که اینها احساس کنند می‌توانند از استعداد خود استفاده نمایند؛ احساس بن‌بست نکنند. صحبت فرار مغزها می‌شود. فرار مغزها ابعاد گوناگونی دارد. یک بعد بسیار زشت و بد آن این است که بیگانگی می‌خواهند بیابند از ثروت ملی انسانی یک کشور سو استفاده کنند. کشوری انسانهایی را پرورش دهد و استعدادهایی را - با همه‌ی عوامل به وجود آورنده‌ی استعدادهای درخشان - به وجود آورد و به قول دوستان این را در طبق اخلاص بگذارد و به دیگران بدهد؛ دیگران هم بیابند با صرف پول - که غالباً زحمت دیگری هم نمی‌کشند - این ثروت را به ثمن بخت از این ملت بگیرند و او را محروم کنند؛ این، بعد بسیار بد و دردناک قضیه است.

بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی / ۱۳۸۱/۰۷/۰۲

امروز در این کشور، نخبه‌پروری و راه یافتن به المپیادهای جهانی مشاهده می‌شود. البته اینها ضایعاتی هم دارد که دوستان اشاره کردند: معرفی کردن چهره‌ها و آسان کردن کار دستگاههای پولساز و کمیته‌هایی که دنبال فکر و ذهن و مغز کارآمد هستند تا آنها را برابند؛ اما این حرکت به خودی خود یک حرکت علم‌پروری در جامعه‌ی ما بود؛ نشان‌دهنده‌ی جرات و جسارت کشور و طبقه‌ی جوان ما بود؛ برای این‌که بتوانند در میدانهای علمی، خود را نشان دهند و اثبات کنند که می‌توانند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۱/۰۹/۰۱

هر وقت حرکت سازنده‌ای در کشور به وجود می‌آید، از آن طرف دشمن برای این‌که جمهوری اسلامی نتواند حرکات سازنده را انجام دهد، تحریکاتی در کنارش به راه می‌اندازد. الان چندی است که راجع به علم و تحقیق و اهمیت آن، حرفهایی جدی وجود دارد. در ملاقات با بنده - چه استاد، چه دانشجو، چه روسای مراکز علمی و دانشگاهی - هر کدام که درباره‌ی مسائل دانشگاه حرف می‌زنند - که مکرر هم اتفاق می‌افتد - راجع به اهمیت علم صحبت می‌کنند و از عقب‌ماندگیهای ما در مسائل مربوط به علم و تحقیق و پژوهش و امثال اینها گله و شکوه می‌کنند. بنده هم به مسوولان بارها تذکر داده‌ام و تصمیمهای خوبی هم گرفته‌اند و کارهایی را هم کرده‌اند. بنابراین حرکت به سمت رونق دادن به بازار علم و تحقیق و زبده‌پروری و ذهنها را در دانشگاهها و مراکز علمی پرورش دادن، چندی است که جدی‌تر از گذشته شروع شده است؛ اما یک وقت شما می‌بینید در دانشگاه بهانه‌ای پیدا می‌شود برای این‌که نه تنها علم و تحقیق، بلکه اصل جریان و روال معمول دانشگاهها هم به خطر بیفتد و دچار وقفه و تعطیل شود؛ این کار کیست؟ این کار دشمن نیست؟ همان وقتی که کشور نهایت احتیاج را دارد به این‌که جوانان دنبال علم و تحقیق و پرورش نیروی فکری خود باشند و نظام هم برای این کار برنامه‌ریزی می‌کند و جدی‌تر از گذشته آن را دنبال می‌نماید و این یک نیاز طبیعی است و همه آن را احساس می‌کنند، ناگهان عده‌ای پیدا شوند و دانشگاه و دانشجو و استاد و محقق را از کار معمولی خود باز بدارند یا مزاحمت ایجاد کنند.

بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی / ۱۳۸۲/۰۴/۰۷

یکی از دستگاه‌های تدارکات‌چی، دستگاه نخبه‌شناسی و نخبه‌پروری است؛ یعنی کادرسازی در دستگاه قضایی و راه‌اندازی تشکیلات علمی و آموزشی قوه‌ی قضائیه که بایستی بسیار پرکار و پر تلاش عمل کند.

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان و نخبگان استان همدان / ۱۳۸۲/۰۴/۱۹

راجع به شما نخبگان عزیزی که در این جمع هستید، بنده هیچ حرف دیگری جز این ندارم که بگویم نسبت به همه‌ی زبگان و نخبگانی که در دانش، در معرفت، در فن، در عمل، در ورزش و در هنر استعداد و نبوغ نشان دادند و تلاش و جدیت کردند، احساس ارادت و اخلاص می‌کنم. ما قدر نخبه‌ها را می‌دانیم. ممکن است قدرشناسی عملی - آن‌چنان که شایسته‌ی نخبگان است - نتوانیم انجام دهیم؛ اما قلباً قدردان نخبگانیم. استان هم انصافاً نخبه‌پرور است. من آن روز در دو سه سخنرانی، از شخصیت‌های برجسته‌ی این استان در فنون و علوم مختلف و در هنر و در انواع دانشها اسم آوردم. نخبگانی که در طول زمان و در زمان نزدیک به ما و در زمان ما از این استان برخاسته‌اند - نخبگان سیاسی، نخبگان علمی، نخبگان هنری - کارهای برجسته‌ی کرده‌اند. البته در این‌جا مقصود من فقط شهر همدان نیست؛ بلکه استان کنونی همدان است، که شامل همدان، ملایر، نهاوند، تویسرکان، اسدآباد، بهار، کیوردآهنگ، رزن و شهرهای فراوان دیگر می‌شود. حقیقتاً این استان به همه‌ی کشور نخبه صادر کرده است، که من نمونه‌هایی از آن را در جلسات دیگری در میان گذاشتم و نمی‌خواهم تکرار کنم. اولاً نخبه‌پروری استان نشانه‌ی است از یک استعداد طبیعی. حالا این استعداد مربوط به منطقه‌ی جغرافیایی است یا خصوصیات اقلیمی و تاریخی، به این کاری ندارم؛ هر عاملی که دارد، بالاخره این منطقه نخبه‌پرور است و نخبه‌های خود را به نقاط دیگر سرریز می‌کند.

بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی / ۱۳۸۲/۰۷/۰۵

بسترسازی برای پرورش نخبگان، شناسایی استعدادهای نخبه، کمک به آنها در رفتن به سمت قله‌های علمی و تحقیقی؛ اینها همه کارهای بسیار مهمی است که البته این کارها در کشور ما شروع شده؛ بعد از آن‌که در گذشته - قبل از انقلاب - مطلقاً در این کشور وجود نداشت و حتی در جهت عکس آن حرکت می‌شد؛ یعنی در واقع نخبه‌کشی بود؛ سعی در کشتن روح امید در جوانها بود؛ سعی در این بود که آن کسی مطرح شود که نسخه‌ی غربی را به‌طور کامل و صددرصد می‌تواند بخواند و اجرا کند و به آن اعتقاد دارد. از خود جوشیدن، از خود رویدن و بالیدن، اصلاً وجود نداشت. این معنایش این است که همیشه کشور و ملت ما زائده‌ی بر دیگران باشد؛ دنباله‌روی آنها باشد. پیداست که چنین کشوری اصلاً پیدا نمی‌کند. در گذشته وضع ما این بود؛ اما انقلاب روحیه‌ها را عوض کرد؛ وضعیت را تغییر داد. الان چند سال است که بحمدالله توجه به نخبگان در برنامه قرار گرفته؛ لکن آنچه تاکنون شده، کافی نیست. به هر صورت، بسیاری از این نکاتی که دوستان الان مطرح کردید، چیزهایی است که مورد اهتمام قرار داشته و برای اینها کار شده و تلاشهایی انجام گرفته و پیشرفتهایی هم داشته و ان‌شاءالله بایستی بیشتر هم پیش برود.

البته من در مورد خاص نخبگان این‌چنین به نظر می‌رسد که ما یک بنیاد نخبگان لازم داریم. من سالها پیش - قبل از دولت آقای خاتمی - به رئیس جمهور وقت گفتم دفتری درست کنید که به مسائل ارتباط دانشگاه با صنعت بپردازد. در یک نگاه وسیعتر، در واقع این می‌توانست دفتری باشد برای رسیدگی به مسائل گوناگون نخبگان؛ شنیدن حرفهایشان، حل کردن مشکلات ویژه‌شان، نگاه به پیشنهادهایشان در زمینه‌ی پیشرفت کار و اصلاً نگاه کلی به نخبه‌پروری در جامعه. بعد، در زمان دولت کنونی هم - دولت آقای خاتمی - به ایشان یکی، دو مرتبه گفتم، که کارهایی هم انجام داده‌اند؛ منتها کافی نیست. ما باید یک بنیاد درست کنیم که زیر نظر

ریاست‌جمهوری باشد؛ چون بهترین جا آن‌جاست. الان شنیده‌ام که بعضی از دستگاه‌ها کارهایی می‌خواهند بکنند، لکن هیچ‌جا برای این کار مناسبتر از دستگاه ریاست‌جمهوری نیست؛ حتی دستگاه وزارتت هم برای این کار کافی نیست؛ چون این کار فراتر از کار یک وزارتخانه است.

بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما / ۱۳۸۲/۰۹/۱۱

مسئله‌ی علم در کشور خیلی مهم است. با مطالعه‌ی دقیق و همه‌جانبه، انسان به چند سرفصل محدود می‌رسد، که یکی از آنها علم است. ما برای آینده به علم احتیاج داریم. نهضت نرم‌افزاری و تولید علم و اندیشه و فکر که مطرح شد، باید جدی گرفته شود. خوشبختانه زمینه‌ها کاملاً آماده و استقبال هم خیلی خوب است. مردم را نسبت به مقوله‌ی علم، امنیت، پرورش نخبگان، اقتدار ملی، کار و ابتکار گره‌گشا و پیشبرنده و مقولاتی از این قبیل حساس کنید.

بیانات در دیدار جمعی از نخبگان استان کرمان / ۱۳۸۴/۰۲/۱۲

من همیشه با نظر تحسین به کرمان نگاه کرده‌ام و امروز این نگاه تحسین‌آمیز با دیدن این همه نخبه در بخش‌های مختلف - دانشمند، هنرمند، ادیب، شاعر، معلمان کارآمد، استادان زبده، سرداران بزرگ در دفاع مقدس، روحانیون محترم، سخنوران خوب، ورزشکاران خوب و برجسته - که در جمع عزیزان حضور دارید، تقویت شد. بحمدالله استان تنوع و جنس جور در عرصه‌ی نخبه‌پروری را حایز هست؛ این برای من بسیار تحسین‌برانگیز است.

بیانات در دیدار نخبگان استان سمنان / ۱۳۸۵/۰۸/۱۹

نخبه بودن یک ارزش است حقیقتاً؛ اما «و تمام آنکه شود» - به قول سعدی - این ارزش است که به دنبال نخبه بودن، نخبه‌پروری بیاید. نخبگان عزیز ما در هر رشته‌ای بر پروراندن همت بگمارند. اولاً پروراندن خود؛ انسان حد یقف که ندارد؛ معلومات انسان روزبه‌روز ممکن است بیشتر بشود. همین آقای دکتر کردوانی که الحمدلله در کار خودشان متخصص درجه‌ی یک هستند - به قول خودشان هفتاد و هفت سال هم دارند. البته ماشاالله پنجاه و پنج ساله بیشتر به نظر نمی‌آیند! - اگر در همین رشته‌ی کوبر مطالعه و تحقیق بیشتری بکنند، یقیناً به اطلاعات بیشتری دست پیدا می‌کنند؛ چه برسد به جوانها؛ چه برسد به آن کسانی که در حال رویشند؛ در حال گسترشند. پروراندن خود و پروراندن، به نظر من تکلیف نخبگان است.

بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی / ۱۳۸۷/۰۶/۰۵

همه‌ی مطالبی هم که برادران و خواهران و جوانان عزیز ما آمدید اینجا و بیان کردید، این فکر را در انسان تقویت میکند که جریان نخبه‌پروری و توسعه‌ی فکر سازنده در بین جوانان کشور، یک جریان رو به رشدی است؛ دارای پیشرفت است و آینده‌ی خوبی را نوید میدهد. من حرف‌های دوستان در سال گذشته را هم کم و بیش در یاد دارم - غیر از اینکه حالا یادداشت شده و ثبت شده - آنها هم همین جور است. نکاتی که به ذهن جوانان و نخبگان ما میرسد که فکر میکنند اینجا باید مطرح و بیان کنند، برای ما شاخص است. انسان می‌بیند که هم توجه و انگیزه‌ها برای پیشرفت علم و اعتنا به اهمیت علم و فناوری بیشتر شده، هم جهتگیریها با اهداف والای نظام جمهوری اسلامی هم‌خوان‌تر و منطبق‌تر شده است.

بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی / ۱۳۸۷/۰۶/۰۵

اگر درست محاسبه بشود، شاید بتوان گفت واقعاً حدود صد و پنجاه سال ملت ایران را متوقف نگه داشتند. این استعداد جوشانی را که شما امروز می‌بینید، این مال امروز نیست؛ همیشه نسل‌های ایرانی این استعداد را داشته‌اند. اینجا به دلایل مختلف متوقف مانده؛ عمده‌اش هم به خاطر حاکمیت حکومت‌های مستبد و جانر در همه‌ی زمانها - و بخصوص در این برهه‌ی آخر، به اضافه شدن وابستگی و فساد - بوده. این عقب‌ماندگی وجود دارد. لیکن استعداد ملت ایران، یک استعداد از متوسط بالاتر است؛ این را ما بارها گفته‌ایم. بعضیها خیال کردند که ما این را ادعا میکنیم؛ حالا بتدریج در سطح جهان هم دارد این معنا منعکس میشود. گواهیها و تصدیق‌های جهانی نسبت به هوش بسیار زیاد ایرانی، مکرر در جاهای گوناگونی دارد تکرار میشود. توی مجلات آمریکائی مینویسند و بخصوص از بعضی از دانشگاه‌های ما اسم می‌آورند. البته این اسم‌آوردن‌ها مغرضانه است؛ آن دانشگاهی که آنها اسم می‌آورند - چه در تهران، چه در اصفهان - اینها دانشگاه‌های برترند، شکی نیست؛ اما نام آوردن آنها مغرضانه است؛ چون دانشگاه بر پایه‌ی نیروی انسانی است؛ دانشجو و استاد و البته مدیریت. هم دانشجو و هم استاد، از همین نسل‌های ایرانی هستند؛ بنابراین، این عمومیت دارد و مخصوص دانشگاه خاصی نیست. در هر جایی که تلاشی صورت بگیرد، همین برجستگی نمایان خواهد شد که آنها در مواردی به آن اعتراف میکنند. بنابراین ما از این امکان بسیار بالای انسانی برخورداریم؛ یعنی هوش و استعداد از متوسط بالاتر انسانی در ایران. این میتواند عقب‌ماندگی را جبران کند. این سالهائی که شما راه افتادید و این کاروان علم در کشور حرکت کرده، دستاوردهای بسیار زیادی داشته. همین تقریباً ده دوازده سال اخیر که این تفکر علم‌گرانی و دنبال علم رفتن و نهضت تولید علم و نهضت نرم‌افزاری و مسئله‌ی نخبه‌پروری در کشور شروع شده، تا امروز ما خیلی پیشرفت کرده‌ایم. این پیشرفت‌ها مغتنم است.

بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی / ۱۳۸۷/۰۶/۰۵

یک چیز دیگری که من اینجا لازم است مطرح بکنم - اگر چه مخاطبش در واقع کس دیگری است - مسئله‌ی بزرگداشت نخبگان و تکریم نخبگان است. در این زمینه، در واقع رسانه‌های ما و بخصوص رسانه‌ی ملی و صدا و سیما، مخاطبند. خب، شما ملاحظه کنید در تبلیغاتی که انجام می‌گیرد؛ هنرپیشه‌ها و هنرپیشه‌های خارجی و اسم‌های گوناگون تبلیغ و ترویج میشوند. مثلاً مسابقه می‌گذارند توی تلویزیون و سوال میکنند؛ اسم قهرمان اول فلان فیلم چی بود؟ اگر گفتی و بلد بودی برنده میشوی! حالا ندانند این را؛ مگر چه کسری و چه نقصی وارد میشود؟ فرض کنید میلیونها نفر این فیلم را ندیده‌اند و این هنرمند یا این بازیگر را نمیشناسند؛ این شد یک نقیصه؟ که شناخت او بشود یک امتیاز؟! یا مثلاً ورزش. خب البته میدانید و بارها گفته‌ام، من از طرفداران ورزش قهرمانی‌ام؛ یعنی من بر خلاف یک حرفی که گفته میشد آقا! ورزش قهرمانی چیست؛ بنده گفتم که نه، ورزش قهرمانی لازم است. ورزش قهرمانی در واقع نخبه‌پروری در باب ورزش است؛ این میشود یک قله؛ تا قله نباشد، دامنه نیست. وقتی یک قله درست شد، آن وقت دامنه - یعنی ورزش عمومی - شکل خواهد گرفت. بنابراین بنده به ورزش قهرمانی معتقدم؛ به این قهرمانهائی هم که می‌روند و پرچم کشورمان و سرود ملی کشورمان را اینجا و آنجا به چشم و گوش مردم دنیا می‌رسانند، علاقه‌مندم؛ از آنها هم تشکر میکنم؛ خیلی هم دوستشان میدارم؛ گاهی هم پیش من می‌آیند. اما حرف من این است که چرا ما باید یک نخبه‌ی علمی را کمتر از یک نخبه‌ی ورزشی بها بدهیم؟ ما چقدر نخبه‌های علمی داریم که در قله‌اند؛ چقدر نخبه‌ی علمی داریم که اگر چنانچه دست کشورهای دیگر به اینها برسد، آنها را فوراً می‌قاپند و می‌برند؛ اینها را باید تحلیل کنیم.

بیانات در دیدار برگزیدگان استان کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۴

همین روزها کتابی دست من است دارم میخوانم که انسان واقعاً حیرت میکند. کو آن غرور ملی؟! کو آن عزت ملی؟! کو آن احساس افتخار به ایرانی بودن؟! کو آن تکیه‌ی به این ملتی که این همه گذشته و میراث تاریخی شرافتمندانه دارد؟! هیچکدام در دوران رژیم طاغوت وجود نداشت؛ پهلوها یک جور، قبل از او قاجارها یک جور دیگر؛ یکی از یکی بدتر. نظام جمهوری اسلامی این بساطها را به هم زده. بایستی ما این را به عنوان یک حقیقت بدیع، روشن، ارزشمند در نظر داشته باشیم و محاسبات و اقدامات را بر این اساس قرار بدهیم. من احساس میکنم نخبگان محترم و عزیز این استان میتوانند نقش‌های مهمی را در این بخش که در واقع یک بخش فرهنگی - سیاسی است، ایفا کنند.

البته نخبه‌پروری هم یکی از وظائف مهم نخبگان هست. همین طور که ملاحظه میکنید، جوانهای برجسته‌ای الحمدلله هستند؛ نظیر همین دختر خانمی که آمدند اینجا و سخنانی را بیان کردند. انسان احساس میکند جوانان دانشجویی ما - چه پسرها، چه دخترها - استعدادها، برجسته‌ای هستند. البته در همه جای کشور این وجود دارد، در اینجا هم انسان بوضوح می‌بیند که بحمدالله وجود دارد. بخشی از این نخبه‌پروری البته مربوط به دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده و دستگاه‌های دولتی است که بحق آنها باید دنبال کنند و البته ان‌شاءالله تاکید خواهد شد که دنبال شود؛ هم این نکاتی را که ذکر کردید و هم همه‌ی وظائف دیگر را؛ اما بخشی هم به عهده‌ی خود نخبگان است؛ به عهده‌ی اساتید، معلمان، آموزگاران دین، آموزگاران ادب و فرهنگ، آموزگاران علم در حوزه‌ی کار خودشان و در محدوده‌ی دانشجویی و تعلیم و تربیت خودشان که روی فکر جوانها تاثیر بگذارید. و توجه کنید که امروز دشمن از بودن یک ایران متحد منسجم پیشرو ناظر به افتخارات بزرگ، نگران و ناراحت است و نمیخواهد این کار انجام بگیرد. این حرکت بزرگ امروز در سایه‌ی اسلام که دین ماست، اساسی‌ترین علقه‌ی معنوی ملت ماست، تحقق پیدا کرده و آنها میخواهند خرابش کنند. البته نتوانسته‌اند، باز هم به توفیق الهی نخواهند توانست، اما از توطئه‌هاشان نباید غفلت کرد. و به نظر من، نخبگان عزیز و محترم ما، مسئولیت بزرگی دارند.

بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

خوشبختانه من می‌بینم در دانشگاهها تولید علم و لزوم عبور از مرزهای دانش به یک گفتمان عمومی تبدیل شده. این خیلی برای من خرسند کننده و نویدبخش است. باید اجرائی کنید. این پیشنهادهایی که این عزیزان من در زمینه‌های دانش و تحقیق و پژوهش و ایجاد مراکز و نخبه‌پروری و ارتباطات و غیره گفتند، همه در جهت همین مسئله‌ی تولید علم است. این بسیار باارزش است. این راه را باید دنبال کرد. ما عقیم. امروز سرعت پیشرفت ما خوب است؛ اما با توجه به عقب‌ماندگی‌های گذشته که کشور ما دارد، هر چه سرعت‌مان بیشتر باشد باز هم زیادی نیست. ما باید خیلی پیش برویم؛ از راههای میان‌بر استفاده کنیم؛ از شتاب فراوان بهره ببریم؛ ما باید در همه‌ی علوم تولید داشته باشیم.

بیانات در دیدار نخبگان جوان / ۱۳۸۹/۰۷/۱۲

اعتقاد راسخ من این است که اگر چنانچه بر روی مسئله‌ی علم و فناوری و نخبه‌پروری سرمایه‌گذاری کنیم، حتما در یکی از بااولویت‌ترین کارها سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. پیشرفت علمی و به دنبال آن، پیشرفت فناوری، به کشور و ملت این فرصت و این امکان را خواهد داد که اقتدار مادی و معنوی پیدا کند. بنابراین با یک نگاه راهبردی، علم یک چنین اهمیتی دارد.

بیانات در دیدار نخبگان جوان / ۱۳۸۹/۰۷/۱۲

اگر بخواهیم مجاهدت [علمی] به طور کامل انجام بگیرد، باید یک توجه ویژه‌ای به دانشگاه‌ها بشود؛ چون دانشگاه، محیط زیست و محیط پرورش استعدادها و نخبه‌هاست. اینجا، هم بنیاد ملی نخبگان وظائفی دارد، هم مدیران و روسای دانشگاه‌ها و وزارت‌های دانشگاهی مسئولیت دارند. نگاه بنیاد ملی نخبگان بر روی نخبگان نباید این بنیاد را از نگاه به دانشگاه‌ها غافل کند؛ یعنی باید یک نگاه ستادی به دانشگاه‌ها داشته باشد و ارتباط بین مجموعه‌ی بنیاد ملی نخبگان و دانشگاه‌ها باید مستحکم شود. از آن طرف هم در دانشگاه‌ها نگاه نخبه‌شناس و نخبه‌پرور حتما بایستی در مجموعه‌ی کارهای دانشجویی وجود داشته باشد؛ که البته در بخش‌های تحصیلات تکمیلی، این معنا بیشتر خواهد بود.

بیانات در دیدار نخبگان و برگزیدگان کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۶

این جلسه، بسیار جلسه‌ی شیرین و مطلوب و به‌یادماندنی‌ای بود، با مطالبی متنوع، پرمغز و پرمضمون. از بیاناتی که کردند، من حقیقتاً بهره بردم و استفاده کردم. همچنین این جلسه موجب میشود که یک معرفت بیشتری نسبت به کرمانشاه و برگزیدگان این استان و استعداد نخبه‌پروری این استان، برای بنده و امثال بنده به وجود بیاید. یکی از آقایان فرمودند که استان سینه‌ی ستبر ایران است - که چه تعبیر زیبا و پرمغزی است - میخواهم عرض بکنم که علاوه‌ی بر این، چهره‌ی زیبای ایران هم هست؛ علم و هنر و ادب و تلاش انقلابی و ورزش و روحیه‌های پهلوانی و همه چیز بحمدالله با هم در این استان جمع شده است. البته من از قبل از انقلاب با بعضی از چهره‌های نخبه و برجسته‌ی استان آشنا بودم؛ از جمله، مرحوم یدالله بهزاد که دوست قدیمی ما بود. ایشان مکرر مشهد می‌آمدند. مرحوم بهزاد ضمن دارا بودن از طبع شعر خیلی خوب - بخصوص در قصیده و قطعه، که ایشان انصافاً در کشور برجسته و ممتاز بود - همان روحیه و خلیقات پهلوانی کرمانشاه هم در ایشان بود. ایشان یک سفر مشهد آمده بود، و همان موقع من تحت تعقیب بودم؛ از مشهد خارج شده بودم، رفته بودم یک محل دوردستی. یک وقت دیدم آقای بهزاد و بعضی از دوستان دیگر انجمن ادبی مشهد آمدند آنجا برای دیدن ما؛ با اینکه این کار خطرناک بود. این مرد اهل کارهای مبارزاتی به آن شکل نبود، اما رفاقت و دوستی و صمیمیت، او را به این وادی کشانده بود. اینها تحسین‌برانگیز است.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان / ۱۳۹۱/۰۷/۱۲

ما مسئله‌ی رعایت نخبگان و نگاه به نخبگان را به یک حالت شبکه‌ای در بیاوریم. ما نخبه را شناسائی میکنیم، انتخاب میکنیم، کمک میکنیم و ثبات در حرکت نخبگی به او میدهیم؛ این کافی نیست. باید یک حرکت شبکه‌ای سازنده و یک چرخه به وجود بیاید، که از پرورش و ساخت نخبه آغاز میشود؛ یعنی مریگری، ریشه و پایه هم در آموزش و پرورش است؛ همچنان که یکی از جوانها گفت. ما باید استعدادها نخبه را شناسائی کنیم و تربیت کنیم، بعد در میان اینها گزینش و انتخاب لازم است؛ بعضی نخبه‌ترند، بعضی استعدادها برترند؛ انتخاب بهترینها. بعد از آن، نگهداری و ارتقا است؛ نه فقط نگهداری، بلکه نگهداری همراه با ارتقا و پیشرفت. کمک کنید این نخبه اگر امروز در رتبه‌ی دهم است، در آینده‌ی نه چندان دوری به رتبه‌ی اول برسد؛ ارتقا پیدا کند. بعد این نخبه، خود وارد چرخه‌ی نخبه‌سازی شود - یعنی حالت شبکه‌ای پیدا کند - خود این نخبه، نخبه‌ساز و نخبه‌پرور شود. در این صورت، حالت درون‌زائی به وجود خواهد آمد و حرکت مضاعف خواهد شد. اگر ما یک چنین شیوه‌ای را در پیش بگیریم، به نظر میرسد که کار پیشرفت خواهد کرد.

بیانات در دیدار دانشجویان / ۱۳۹۲/۰۵/۰۶

یکی از کارکردهای بصیرت همین است که انسان واقعیتها را آنچنان که هست، ببیند. در تبلیغات گاهی یک واقعیتی را از آنچه که هست، چندین برابر بزرگتر نشان میدهند؛ در حالی که بعضی از واقعیتها دیگر را اصلاً نشان نمیدهند. مثلاً فرض بفرمائید یکی از واقعیتها این است که بخشی از نخبگان کشور از کشور خارج میشوند؛ بله، این یک واقعیتی است؛ اما در قبال این، یک واقعیت دیگری هم وجود دارد و آن عبارت است از افزایش نخبه، افزایش دانشجویان نخبه. ما کی این همه دانشجوی نخبه داشتیم؟ به تاریخ دانشگاه کشور نگاه کنید؛ در این ده بیست سال اخیر، فراوانی دانشجویان نخبه‌ی ما در بخشهای مختلف کاملاً چشمگیر است. چقدر ما استاد نخبه داریم. جمهوری اسلامی وقتی که پیروز شد، تعداد اساتید دانشگاه‌های کشور، یک تعداد معدودی بود - که البته چون دقیقش یادم نیست، نمیخواهم بگویم، اما تعداد خیلی معدودی بود؛ حدودش یادم هست - امروز بیش از ده برابر، این تعداد بالا رفته؛ خوب، اینها همه نخبگانند. حالا گیرم از این مجموعه‌ی عظیم نخبه‌ای که در دانشگاه‌های کشور پروریده شده‌اند - اعم از دانشجوی و استاد و نخبه‌های علمی و اینها - یک تعدادی هم رفتند خارج. اگر انسان آن واقعیت را می‌بیند، این واقعیت را هم ببیند.

ابلاغ سیاست‌های کلی «علم و فناوری» / ۱۳۹۲/۰۶/۲۹

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)

...

۲- بهینه‌سازی عملکرد و ساختار نظام آموزشی و تحقیقاتی کشور به منظور دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و شکوفایی علمی با تاکید بر:

...

۲-۷- شناسایی نخبگان، پرورش استعدادهاى درخشان و حفظ و جذب سرمایه‌های انسانی.

بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان / ۱۳۹۵/۰۷/۲۸

[راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی چیست؟] راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیتی که آن خصوصیات اینها است؛ یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور؛ -البته خوشبختانه ما امروز در نسل جوان بسیاری از این خصوصیات را داریم اما این بایستی گسترش پیدا کند- چنین نسلی لازم داریم. بایستی ایمان داشته باشد، سواد داشته باشد، غیرت داشته باشد، شجاعت داشته باشد، خودباوری داشته باشد، انگیزه‌ی کافی برای حرکت داشته باشد، توان جسمی و فکری حرکت داشته باشد، هدف را در نظر بگیرد، چشم را به اهداف دور متوجه بکند و به تعبیر امیرالمومنین «اعر الله جمجتک»؛ (۱) زندگی خودش و وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدیت حرکت کند؛ در یک کلمه یعنی یک موجود انقلابی؛ معنای انقلابی این است. بعضی‌ها از روی دشمنی، انقلابی را بد معنا میکنند. انقلابی را به معنای بی‌سواد، بی‌توجه، بی‌انضباط [میدانند]؛ نخیر، اتفاقا درست بعکس است. انقلابی یعنی دارای سواد، دارای انضباط، دارای تدین، دارای حرکت، دارای عقل، خردمند. ما یک چنین نسلی لازم داریم. این نسل، نسل جوان ما است. سرمایه‌ی این حرکت، این نسل است و موتور محرکه‌ی این حرکت هم نخبگان جوانند؛ نخبگان این‌جوری هستند. شماها موتور محرکید. اگر شما خوب کار کردید، این نسل جوان در همین جهتی که عرض کردم، حرکت خواهد کرد. علت اینکه بنده به نخبگان اهمیت میدهم و وجود آنها را قدر میدانم اینها است. نخبه ارزش دارد.

بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی / ۱۳۹۶/۰۷/۲۶

نکته‌ی دوم در مورد وضع بنیاد نخبگان و معاونت علمی است. بحمدالله خیلی پیشرفت کرده و بهتر شده؛ موارد زیادی پیش آمده در این چند سال که وضعیت معاونت علمی را و هم بنیاد نخبگان را بهتر کرده. شرکت‌های دانش‌بنیان رشد جهشی پیدا کرده. سال ۹۲ بود که بنده در همین جلسه راجع به شرکت‌های دانش‌بنیان تاکید کردم. خوشبختانه امروز شرکت‌های دانش‌بنیان، خیلی رشد جهشی خوبی پیدا کرده؛ سرمایه‌گذاری‌های خوبی شده. هیئت‌های علمی، هسته‌های علمی در دانشگاه‌ها -که باز این هم مورد تاکید ما بود- بحمدالله به وجود آمده. جهت‌گیری‌های فکری نخبه‌پروری تصحیح شده. خیلی از این مطالبی که شما دوستان اینجا بیان کردید، در ذهن مسئولین بنیاد نخبگان و معاونت علمی هست که با من در میان گذاشته‌اند و یک روش و منش و مسیر تصحیح‌شده و تکمیل‌شده‌ای در واقع بنا است پیش بیاید و پیگیری بشود؛

